

بسم الله الرحمن الرحيم

پروژه آخرالزمانی امام صادق (ع)

<https://eitaa.com/hekmatebayan>

پیام: «ملت عزیز ایران! انتخابات در یک روز انجام میگیرد اما اثر آن در چند سال باقی میماند. در انتخابات شرکت کنید، انتخابات را متعلق به خودتان بدانید» (مقام معظم رهبری، ۰۶/۰۳/۱۴۰۰)

انسان موجودی با ویژگی های متعدد و نوعا متعارض

خداوند متعال که انسان را با ویژگی های متعدد و نوعاً متعارض آفریده است. در انسان یک مقداری ضعف قرار داد، توان ما معلوم هست، زیاد نیست خیلی از کارهایی که می خواهیم انجام بدهیم در توان ما نیست. فرمود: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء، ۲۸) ما نه توان اقتصادی ما زیاد می کشد نه توان جسمی ما آنقدری هست که بتوانیم همه کارهایمان را که می خواهیم انجام دهیم، محدود هستیم. علم ما هم کم هست. فرمود: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء، ۸۵) انسان را خدا طوری آفریده است که نادان هست، خیلی بارش نیست. بله خدا علمی داده است اما زیاد نیست. یک هدایتی هست فرمود: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد، ۱۰) ما مسیر را به انسان نشان داده ایم اما اینکه انسان همه چیز را بداند، نه اینطور نیست.

انسان، دیگر چه نقاط ضعفی دارد؟ انسان عجول هست. فرمود: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» (انبیا، ۳۷) این عجله موجب می شود که دسته گل به آب بدهد، باعث می شود که خراب کند.

در کنار اینها، خداوند متعال شهوت های متعددی برای انسان قرار داده است که باز این مسیر، قدری مسیر سختی هست. شهوت نسبت به پول و مقام، ماشین و جنس مخالف و همه چیز. فرمود: «زُيِّنَ

لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُمَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ» (آل عمران، ۱۴). این علاقه ها را چه کسی قرار داده است؟ خداوند متعال.

بعد بالاتر از این، خداوند متعال، دشمن هم برای انسان قرار داد. هم نفس دشمن انسان است. فرمود: «أَعَدَىٰ عَدُوَّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنبَيْكَ» (عده الداعی، ص ۳۱۴) هم شیطان دشمن انسان است. هم نفس کارهایی می کند که انسان کار خرابی می کند هم شیطان وسوسه می کند. فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر، ۶) شیطان دشمن شما هست با او دشمنی کنید و او را دشمن بگیرید.

خداوند وقتی حضرت آدم و حوا را از بهشت اخراج کرد، فرمود: «قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ» (اعراف، ۲۴). شما و شیطان دیگر دشمن هستید تا اطلاع ثانوی.

خوبی های انسان

البته انسان فقط این چیزهای خاکبرسری نیست، یک نوری دارد، هدایت دارد، فطرت دارد. فرمود: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰). این دین ناب چیست که به آن توجه کن؟ فطرتی که انسان براساس آن خلق شده است. ریخت گل انسان با دین اینها با هم چفت هستند. علاقه ای در انسان قرار داده است به سمت نور، فطرت.

محبت ما به اهل بیت ع در دل ما قرار داده شده است، اینها کمکی های خدا به ماست برای رسیدن به کمال و حرکت به سمت خدا. ایمان برای انسان محبوب قرار داده است. فرمود: «وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات، ۷). ایمان در دل انسان آراسته شده است. این کار چه کسی هست؟ کار خود خدا.

مسیر بهتر شدن، مسیر پر چالش و طولانی

هم شهوت های زمینی در دل انسان هست هم ایمان، برای همین زندگی ما زوجی، فردی هست یکبار این طوری سمت خدا می روییم یکبار اون طوری سمت شیطان و نفس می روییم. وقتی که انسان این شکلی هست یعنی مسیر صراط مستقیم یک مسیر پر چالشی هست. مسیر بهتر شدن و آز آنها جدا شدن و به سوی خدا رفتن و نورانی شدن مسیر پر چالشی هست.

من اگر بخواهم از یک گناهی خلاص شوم چقدر باید زحمت بکشم، چقدر این پروژه انسان سازی طول می کشد؟ گاهی چند ده سال. این پرونده باز روی میز شماست. این پروژه تمام نمی شود. تمام طول عمرتان درگیر این ماجرا هستید. بعضی ها جوان هستند اهل مسجد می شوند بعد که میانسال و پیرمرد می شوند دیگر ول می کنند بعضی ها هم برعکس جوانی می کنند بعد آخر پیری یاد خودشان می افتند، یاد مسجد و این حرف ها می افتند. چرا؟ چون فکر کرده خودسازی، یک پروژه کوتاه مدت هست می شود مثلاً ۵ ساله جمع اش کرد شبیه پروژه ساختمان سازی در حالی که کلاً نهضت ادامه دارد تا وقتی که شما هستی.

از امام صادق ع پرسیدند آقا این پروژه ما کی تمام می شود؟ البته با ادبیات بحث خودمان عرض می کنم، حضرت فرمود تا روزی که از این دنیا تشریف ببرید. « قِيلَ لَهُ أَيُّنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟ فَقَالَ ع فِي خِلَافِ الْهُوَى قِيلَ فَمَتَى يَجِدُ الرَّاحَةَ فَقَالَ ع عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ. » (تحف العقول، ص ۳۷۰).

امان از شهوت های عارفان

ما اگر بخواهیم مشکلات الان خودمان را حل کنیم، یک انسان جاهل، شهوت های او جاهلانه هست، عاقل شود، شهوت هایش عالمانه می شود. بیا این را درستش کن، درست نمی شود. به قول حضرت امام رضوان خدا بر او باید، عالم هم خودت را درست کردی، عارف شدی، شهوات عارفانه سراغت می آید. شیطان آدم را رها نمی کند.

چرا هر عیبی را برطرف کنیم یک عیب دیگر می زند بیرون؟

رسول خدا (ص) فرمودند: انسان هیچ عیبی را از خود دور نکند جز آنکه عیبی دیگر در خویش بیابد. (فَإِنَّهُ لَا يُفِيئُهُ مِنْهَا عَيْبًا إِلَّا بَدَأَ لَهُ عَيْبٌ) (الکافی، ج ۲، ص ۱۴۸). خدایا ببخشید! این عیب را درست کردیم تمام شد حل هست دیگر؟ نه ملائکه یک عیب دیگر به او نشان بدهید. این پروژه ادامه دارد موقت نیست.

در پروژه ساخت انسان نباید عجله کرد و آن را موقت دید

بنابراین پروژه انسان، برای خودسازی، هم طولانی مدت هست تا آخر عمر شما ادامه دارد و موقت نیست. نباید در این مسیر عجله کرد وگرنه با کله زمین می خورید. حتی پدرها و مادرها هم نباید در پروژه تربیت فرزندانشان عجله کنند وگرنه اثر عکس می دهد عوض باتربیت شدند بچه یک بی تربیتی هایی از سر می زند بیا و ببین. حالا از پدر و مادر می پرسى مگر شما این بچه را ادب نکردى؟ مى گوید والله خیلی تلاش کردیم. بعد که زوم می کنی می بینی یک جاهایی پدر و مادر در پروژه تربیت فرزندشان عجله کردند حالا که خودش پروژه دار تربیت خودش هست کلا فنداسیون تربیتش را نابود می کند چرا؟ پدر و مادر عجله کردند.

پروژه انسان سازی، پروژه پر چالش و توام با درگیری

نکته بعد در این پروژه انسان سازی، پروژه پر چالش و درگیری هست. فطرت یک طرف می کشد، آن علاقه های بد یک طرف دیگر. این طرح خداست در هستی. فرمود: «طُوبَى لِمَنْ عَصَى فِرْعَوْنَ هَوَاهُ وَ أَطَاعَ مُوسَى تَقْوَاهُ.» (عیون الحکم، ص ۳۱۴). همان طور که در بیرون تو، یک موسی و یک فرعون وجود دارد دقیقا این طراحی در وجود تو هست یک آقای موسی در درون تو هست به نام تقوا و یک آقای فرعون هست به نام هوای نفس. و شما این وسط قرار داری بالاخره این وری می شوی یا آن وری؟

هم این درگیری را در پروژه انسان سازی بینیم و هم این موقتی نبودن و طول مدت پروژه رو. پس نباید برای رسیدن به نتیجه عجله کرد.

پروژه ساخت جامعه، شبیه پروژه ساخت انسان، پر چالش و به بلندای تاریخ

جامعه هم همین طور هست. ما علاوه بر اینکه در پروژه خودمان هستیم یک پروژه بزرگتر هم قرار داریم که بی ربط با پروژه اول نیست. خداوند ما را در جامعه قرار داده است، انبیا هم در جامعه مبعوث شدند و پروژه پیامبران و آدم خوب ها هست که جامعه خودتان را درست کنید. انبیا هم به تنهایی نمی توانند جامعه را درست کنند، ما باید در این پروژه ساخت جامعه حسابی نقش آفرینی کنیم.

حالا این پروژه چقدر طول می کشد؟ دیدید در این پروژه ساختمان سازی مدت پروژه را دم در نوشته اند مثلا دو سال حالا پروژه جامعه سازی و ساخت جامعه چقدر طول می کشد؟ به طول تاریخ بشریت تا قیامت تا ظهور حضرت حجت.

پروژه جامعه سازی از حضرت آدم تا حالا طول کشیده است

این پروژه از حضرت آدم شروع شده و تا امروز طول کشیده است و هنوز هم تمام نشده است. چرا ما فکر می کنیم زودی هم این پروژه به نتیجه می رسد تازه ما خیلی خوشبختیم که آثار و نتایج عینی تری از این پروژه را می بینیم. مومنین گذشته در غربت و مظلومیت گاهی با یکی دو تا نتیجه آنی و زودگذر آیا در این پروژه جامعه سازی می دیدند یا خیر؟

نزاع و درگیری در پروژه جامعه سازی

از آن طرف پروژه جامعه سازی هم یک پروژه پر چالش و پر از نزاع و درگیری هست شبیه پروژه ساخت انسان. فرمود: «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَبَابِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام، ص ۱۱۲). ما برای هر پیامبری

دشمنانی از جن و انسان قرار دادیم، این دشمن چیکار می کند؟ چوب لای چرخ کار پیغمبر می گذارد، اذیت می کند. تکذیب می کند، تمسخر می کند، همه کاری می کند.

حضرت نوح ع می خواست مردم را نجات دهد، سوار کشتی کنید مگر می گذاشتند؟ اینقدر مسخره کردند، اینقدر تیکه انداختند. اصلاً کسی جرأت نمی کرد طرف حضرت نوح ع برود، آبرویش می رفت. «وَبَصْنَعُ الْفُلْكِ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأْ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ» (هود، ۳۸). داشت کشتی را می ساخت، هر آدم موجهی رد می شد یک تیکه می انداخت. حالا شما می خواهی سوار کشتی حضرت نوح شوی، آدم جرأت نمی کرد و از آن بالاتر ما باید تبلیغ می کردیم، سوار کشتی حضرت نوح بشوید. کلاً می شدیم مضحکه عام و خاص. این ها موانع پیش روی ماست در پروژه ساخت جامعه. کار دارد اصلاح جامعه، مگر به این راحتی هست؟

یک مقداری انبیا کار می کردند، مرارت ها می کشیدند، خون دل ها می خوردند، جهادها می کردند، یک فتحی، یک نصرتی می آمد، به اصطلاح بورس یک اصلاح می خورد، دوباره از اول، تاریخ برمی گشت. پیغمبر کلی در مکه زحمت و غربت کشید، یک ذره به قدرتکی رسید، جامعه دینی دوباره منحرف شد، رفت که رفت. مگر به این راحتی هست.

کلاً در تاریخ، آنهایی که پای کار پیامبران می ایستادند، از خودگذشتگی می کردند، همچنین چیزی هم گیرشان نمی آمد، جز یک حال خوب که جز خودشان کس دیگری نمی دیدند.

ائمه ۲۵۰ سال دوران ظهور و بروزشان بوده است، اصحاب ائمه هدی ع، یک تلاشی می کردند در اوج غربت، بعضی از داستان های غربت ائمه هدی ع وحشتناک هست. آنقدر غربت بالا بوده است، گاهی در پستوی خانه امام صادق ع، امام با تیکه و کنایه جواب می داد به یار خودش در یک گفتگوی چهره به چهره بعد خسته می شدند می آمدند پیش امام صادق ع می گفتند: «مَتَى الْفَرَجُ» (کافی، ج ۱، ص ۳۷۱). یعنی کی این پروژه تمام می شود، امام صادق ع می فرمودند: «وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ

عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ.» (همان). این سوال تو ریشه اش دنیایی هست با ولایت شما، به نتیجه رسیدید و الی آخر.

وقتی این پروژه امام صادق ع در جامعه سازی بر شیعیان فشار می آورد حضرت می فرمود نباید عجله کرد. این پروژه به طول تاریخ ادامه دارد. و فرمود: «هَلَكَ الْمُسْتَعَجِلُونَ» (کافی، ج ۱، ص ۳۶۸). نابود شدند عجله کنندگان. اگر آمدی در پروژه امام صادق ع ثبت نام کردی، نباید اصلا عجله کنی، برای ساخت جامعه خیلی باید خون دل خورد.

شباهت پروژه جامعه سازی با دو امدادی

چقدر این پروژه طول می کشد و چقدر ما باید صبر کنیم؟ این پروژه شبیه دو امدادی هست. در دو امدادی چهار تا دونده هر کدام یک مسافتی را می روند بعد چوب امدادی را به دونده بعدی می رسانند. مقام معظم رهبری در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، در فصل نبوت این مسئله را مطرح می کند که آیا انبیا در طول نبوت خودشان موفق بودند یا خیر؟ بعد آقا دو جور جواب می دهند یکی اینکه در کوتاه مدت بعضی از انبیا موفق بودند اما اگر به صورت دو امدادی به تعبیر بحث ما نگاه کنیم، تمام انبیا موفق بودند. چون این پروژه، پروژه تمام انبیا هست.

چرا بعد از چهل سال هنوز مشکلات حل نشده است؟

بعضی ها می گویند، آقا ما چهل سال انقلاب کردیم، پس چرا مشکلات حل نمی شود؟ چرا یک رئیس جمهور خوب گیرمان نمی آید که تمام مشکلات را حل کند، هر رئیس جمهوری می آید یک سری مشکلات جدید درست می کند؟ چرا رهبری مشکلات را حل نمی کند؟ بعضی ها می گویند ما انتخابات شرکت نمی کنیم، چرا؟ چون مشکلات حل نشد.

پرده برداری امام صادق ع از پروژه آخرالزمانی خدا

باید برای ایشان، این پروژه خدا و انبیای خدا را توضیح داد و بگوییم ما الان کجای این پروژه هستیم. پروژه خدا را زبان امام صادق ع بشنوید؛ امام صادق ع می فرماید: خداوند متعال بعد از اینکه شاید صدها نفر به حضرت نوح(ع) پیوستند آنها را امتحان کرد، یعنی برای فرج یک وعده ای داد. فرمود ای نوح(ع)! این هفت دانه خرما را بگیر بکار وقتی درختش ثمر داد فرج شما رخ خواهد داد. ایشان هم به یارانش خبر داد. بعد از چند سال نخل خرما ثمر داد و همه گفتند فرج چه شد؟ خدا فرمود دانه های خرمای این درختها را بکارید، وقتی ثمر داد فرج خواهد آمد. آقا شما قول داده بودید! ما به این مردم گفتیم. سیصد نفر مرتد شدند؛ گفتند اگر ادعای نوح(ع) حق بود در وعده پروردگارش تخلف نمی شد. بگذریم از اینکه امام صادق(ع) و دیگر اولیاء خدا می فرمایند این موارد از مصادیق «بداء» است، خوب است شیعیان در مورد بداء زیاد صحبت کنند اما خیلی کم از آن صحبت می شود. بداء یعنی تغییر تصمیم قطعی پروردگار عالم. البته بداء حکمت دارد و تصمیم خدا بی جهت تغییر نمی کند.

تعدادی از اصحاب نوح(ع) که ماندند منتظر شدند. دوباره خرما نتیجه داد و گفتند وعده چه شد؟ خدایا! به این مردم قول دادیم، وعده چه شد؟ این دفعه خیلی بد می شود؛ دفعه قبل هم فرمایش شما تغییری پیدا کرد؛ خداوند متعال فرمود دوباره این هسته ها را بکارید. آقا دوباره یک عده دیگر رفتند. البته در روایت دیگر دارد که یک عده مرتد شدند، یک عده منافق شدند، یک عده مؤمن یعنی یک عده هم ماندند. تا هفت مرتبه این قصه تکرار شد. در آخرین بار هفتاد و چند نفر ماندند، گفتند یا نوح! خدای تو وعده اش را محقق بکند یا نه ما با تو هستیم. آن وقت خدا فرج را برای اینها مقرر کرد.

در این روایت خداوند متعال به حضرت نوح(ع) علت را بیان می فرماید. من قسمتی از روایت را می خوانم. می فرماید: «فَلَوْ أَنَّهُمْ تَسْتَمُوا مِنِّي الْمَلِكَ الَّذِي أُوتِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتِ الْإِسْتِخْلَافِ إِذَا أَهْلَكْتُ أَعْدَاءَهُمْ لَنَشَقُوا رَوَائِحَ صِفَاتِهِ وَلَا نَسْتَحْكَمَتِ سَرَائِرُ نِفَاقِهِمْ [و] تَأْتَبَدْتُ حِبَالُ ضَلَالَةٍ قُلُوبِهِمْ وَ لَكَأَ شَقُوا إِخْوَانَهُمْ بِالْعَدَاوَةِ وَ حَارَبُوهُمْ عَلَى طَلَبِ الرَّئَاسَةِ وَ التَّفَرُّدِ بِالْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ كَيْفَ يَكُونُ التَّمَكِينُ فِي الدِّينِ

وَ اَنْبِشَاؤِ الْأَمْرِ فِي الْمُؤْمِنِينَ مَعَ إِتَارَةِ الْفِتَنِ وَ إِيقَاعِ الْحُرُوبِ كَلَّا)؛ در دوران غربت، افراد مختلف دور تو جمع شدند ولی من وعده کردم که تو و یارانت صاحب زمین و ثروت و حکومت بشوید، اما وقتی فرج آمد، اگر هنوز منافقین و آدم‌های ضعیف‌الایمان بین شما بودند و بوی حکومت به مشام‌شان می‌رسید، آن وقت نفاق در دل آنها محکم می‌شد و رو می‌آمد. من قبل از اینکه حکومت تو شروع بشود آنها را بیرون کردم که بعداً شما را اذیت نکنند.

امام صادق (ع) در ادامه می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصْرَحَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ وَ يَصْفُوَ الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِإِزْدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِبْنَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يُخْشَى عَلَيْهِمُ التَّفَاقُ إِذَا أَحْسَبُوا بِالْإِسْتِخْلَافِ وَ التَّمْكِينِ وَ الْأَمْنِ الْمُنتَشِرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ ع » در ارتباط با قائم ما هم مسئله همین طور است، غیبتش طولانی می‌شود تا حق از باطل جدا بشود و ایمان از کدورت‌ها تصفیه شود، این کار با مرتد شدن کسانی که در میان شیعیان هستند و طینت خبیث دارند و از نفاق آنها احساس خطر می‌شود اتفاق می‌افتد، اینها باید در فتنه‌های قبل از ظهور بیرون بروند. در واقع خداوند هر کسی را که با استقرار حکومت جهانی امام‌زمان (ع) نفاقش مستحکم می‌شود بیرون می‌ریزد، چون آن زمان دوران حکومت آدم خوب‌هاست. منافقان حکومت حضرت را اذیت می‌کنند. لذا باید قبل از حکومت ایشان از بین بروند. آنها چطور از بین می‌روند؟ با امتحان‌هایی که باید سر مؤمنین بیاید.

پروژه مقابله با نفاق و نفوذ در انقلاب اسلامی

ما داریم با این منافقین مبارزه می‌کنیم و این مبارزه تا ظهور امام زمان عج ادامه دارد. این پروژه خداست برای ساخت جامعه، شما می‌بینید از روز اول انقلاب، همین طوری از آن بالا شما منافق داشتی در حد نخست‌وزیر مثل بنی صدر منافق داشتی تا حالا، مگر این پروژه تمام شدنی هست؟ الان نفاق و نفوذ در بین مسئولین نیست؟ خیلی بدتر و زشت ترش هست به قدری که شما نمی‌توانی اصلاً درباره‌شان زیاد حرف بزنی؟ فرمود: «الْقُدْرَةُ تُظْهِرُ مَحْمُودَ الْخَصَالِ وَ مَذْمُومَهَا» (غرر، ص ۶۱) قدرت خوبی‌ها و بدی‌های آدم را رو می‌آورد. شواری نگهبان پشت دستش را بو کرده بود که نامزدهایی که تایید می‌کند

بعد از اینکه به قدرت برسند چه بدی های از ایشان سر می زند، همان انقلابی ها، همان هایی مدعی بودند.

شرکت در انتخابات، شرکت در پروژه خدا و خوبان

شرکت در انتخابات، یعنی من در پروژه خدا و انبیا و اهل بیت ع برای جامعه سازی شرکت کردم و عجله ندارم. چالش های آن را هم پذیرفتم. مقام معظم رهبری فرمودند: «ملت عزیز ایران! انتخابات در یک روز انجام میگیرد اما اثر آن در چند سال باقی میماند. در انتخابات شرکت کنید، انتخابات را متعلق به خودتان بدانید - که متعلق به شما است - و از خدا کمک بخواهید، هدایت بخواهید که شما را هدایت کند به آنچه درست و حق است و بروید پای صندوق رأی و به کسی که شایسته است رأی بدهید. به حرف این کسانی که ترویج میکنند - چه از داخل، چه از خارج - که «فایده ای ندارد، ما نمیرویم پای صندوق، نروید» اعتنا نکنید؛ اینها دلسوز مردم نیستند. اگر اسم مردم را هم می آورند، بیخود می آورند، دروغ میگویند، دلسوز مردم نیستند. کسی که دلسوز مردم است، مردم را از رفتن پای صندوق انتخابات منع نمیکند.» (۰۶/۰۳/۱۴۰۰)

انقلاب اسلامی، پروژه امام صادق ع / حاج قاسم: جمهوری اسلامی حرم است

انقلاب اسلامی، پروژه امام صادق ع است. پروژه امیرالمومنین هست، پروژه چهارده معصوم هست، پروژه حضرت زهرا س هست. چقدر قشنگ حاج قاسم سلیمانی عزیز در وصیت نامه اش گفت و درستی حرف خودش را با خون خودش امضا کرد. این حرف ها رو بعد از شهادت می شود زد، بعد از خون دادن برای این پروژه می شود زد. حاج قاسم چی گفت: «امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم ها میمانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمیماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص.)» (متن وصیت نامه شهید سلیمانی).

اینقدر امام صادق ع دلش می خواست، مثل حاج قاسم ها داشته باشد. ابومسلم خراسانی که نقش مهمی در از بین بردن بنی امیه و استقرار بنی عباس داشت، به امام صادق ع نامه نوشت آقا ما قیام کردیم دربست این حرکت را در اختیار شما قرار می دهیم چرا بنی عباس ببرد شما بیا ببر حضرت چه جوابی دادند؟ حضرت فرمودند: «مَا أَنْتَ مِنْ رَجَالِي وَلَا الزَّمَانِ زَمَانِي» (الملل و النحل ج ۱ ص ۲۴۱). تو آدم من نیستی و زمانه ام زمانه من نیست.

من می خواهم از امام صادق ع پیروم آقا جان آدم شما کیست؟ دوران شما چه دورانی هست؟ دلم گواهی می دهد حضرت بفرماید آدم ما آقا سید روح الله هست بگذار او قیام کند بعد دوران من هم دوران انقلاب اسلامی است. با همه چالش ها و کمبودهای که هست همان طور که در دوران پیامبر و امیرالمومنین این چالش ها بود.

امام خمینی ره فرمود: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می باشند.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۰).

چرا امام فرمود: «من پانزده خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم.» (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) چون یک عده ای غریبانه، کفن به تن کردند در پروژه ساخت جامعه شرکت کردند. اینها خیلی نقش مهمی را ایفا می کنند. گفتند یا مرگ یا خمینی. ای کاش امام صادق ع چندتا از این جور آدم ها داشت.

پروژه امام صادق ع لنگ ۱۷ نفر

سدیر صیرفی می گوید خدمت امام صادق (ع) رسیدم و گفتم: «به خدا سوگند، روا نیست که شما نشستهاید و قیام نمی کنید.»

امام فرمود: «چرا؟»

گفتم: « چون دو ستداران و پیروان و یاوران شما فراوانند. به خدا سوگند اگر امیر المؤمنین (ع) به اندازه شما یاور داشت، قبیله تیم و عدی (قبائل خلیفه اول و دوم) جرات نمی‌کردند به طرفش بیایند.» امام فرمود: « تعداد یاوران و شیعیان من احتمالاً چقدر است؟» عرض کردم: « صد هزار نفر.» حضرت فرمود: « صد هزار نفر؟! » عرض کردم: « بله، بلکه دویست هزار نفر.» حضرت فرمود: « دویست هزار نفر؟! » عرض کردم: « بله، بلکه نصف دنیا از یاوران شما هستند.» حضرت سکوتی کرد، بعد فرمود: « همراه ما تا ینبع بیا.» امام مرا به منطقه‌ای برد که خاک سرخ رنگی داشت و چوپان نوجوانی، بزغاله‌هایش را برای چرا آورده بود.

امام نگاهی به او کرد و به من فرمود: « ای سدید، به خدا سوگند اگر به تعداد این بزغاله‌ها شیعه و یاور داشتیم، روا نبود يك لحظه در مقابل حکومت ظلم و جور بنشینم و برای گرفتن حقم قیام نکنم.» از مرکب‌ها پیاده شدیم و نماز خواندیم. بعد از نماز رفتیم بزغاله‌ها را شمردم. فقط هفده تا بودند.

«عَنْ سَدِيرِ الصَّيْفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ مَا يَسَعُكَ الْفُؤُودُ فَقَالَ وَ لِمَ يَا سَدِيرُ قُلْتُ لِكَثْرَةِ مَوَالِكَ وَ شِيعَتِكَ وَ أَنْصَارِكَ وَ اللَّهُ لَوْ كَانَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا لَكَ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ الْأَنْصَارِ وَ الْمَوَالِي مَا طَمِعَ فِيهِ تَيْمٌ وَ لَا عَدِيٌّ فَقَالَ يَا سَدِيرُ وَ كَمْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا قُلْتُ مِائَةَ أَلْفٍ قَالَ مِائَةَ أَلْفٍ قُلْتُ نَعَمْ وَ مِائَتِي أَلْفٍ قَالَ مِائَتِي أَلْفٍ قُلْتُ نَعَمْ وَ نِصْفَ الدُّنْيَا قَالَ فَسَكَتَ عَنِّي ثُمَّ قَالَ يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ تَبْلُغَ مَعَنَا إِلَى يَنْبُعٍ قُلْتُ نَعَمْ فَأَمَرَ بِحِمَارٍ وَ بَعُلٍ أَنْ يُسْرَجَا فَبَادَرَتْ فَرَكِبْتُ الْحِمَارَ فَقَالَ يَا سَدِيرُ أَ تَرَى أَنْ تُؤْتِرَنِي بِالْحِمَارِ قُلْتُ الْبُعْلُ أَزِينُ وَ أَتَبُلُ قَالَ الْحِمَارُ أَزْفُقُ بِي فَنَزَلْتُ فَرَكِبْتُ الْبُعْلَ وَ رَكِبْتُ الْبُعْلَ فَمَضَيْنَا فَحَانَتْ الصَّلَاةُ فَقَالَ يَا سَدِيرُ انْزِلْ بِنَا نَصَلُّ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ أَرْضٌ سَيْخَةٌ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا فَسَرْنَا حَتَّى صِرْنَا إِلَى أَرْضِ حَمْرَاءَ وَ نَظَرْنَا إِلَى غُلَامٍ يَزْعَى جِدَاءً فَقَالَ وَاللَّهِ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَ سَعَيْي الْفُؤُودُ وَ نَزَلْنَا وَ صَلَّيْنَا فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الصَّلَاةِ عَطَفْتُ عَلَى الْجِدَاءِ فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ سَبْعَةٌ عَشْرَ» (کافی، ج ۲، ص ۲۴۲)

روضه

رفقا باورتان می شود، پروژه امام صادق ع، لنگ ۱۷ نفر بود. اگر شهید باکری، حاج قاسم، شهید زین الدین این شهدا اگر بودند شاید کار امام صادق ع راه می افتاد.

دیگر کار امام صادق ع به آنجا نمی کشید که نیم شب به خانه امام صادق ع هجوم بیاورند، حضرت را بدون عبا، با دست های بسته پشت مرکب می کشید، حضرت شیخ الائمه به نفس نفس افتاده بود.

می گوید: یک وقت نگاه کردم دیدم از بس آقا دویده نفسهایش به شمارش افتاده. دلم سوخت. عنان استرم را کشیدم و استر را نگه داشتم. پایین آمدم و گفتم: جعفر بن محمد! تو هم سوار شو! آقا سوار شد. رسیدیم به کاخ. ربیع پدر محمد جلو آمد و سلام کرد. گفت: آقا عذر می خوام. می دانید مأمورم و معذورم. آقا فرمود: اجازه می دهید من دو رکعت نماز بخوانم؟ گفت: بفرمایید. حضرت کناری ایستاد و دو رکعت نماز خواند. ربیع می گوید: دیدم بعد از نماز، دستهایش را بلند کرد طرف آسمان و لبهای مقدسش آهسته آهسته می جنبید. اما نمی دانم چه می گفت. زمزمه های آقا تمام شد. فرمود: ربیع! می خواهی مرا ببری ببر. ربیع می گوید: آستین آقا را گرفتم و داخل کاخ آوردم. تا چشم منصور دوانقی به قیافه امام صادق (ع) افتاد، آنقدر به ایشان توهین کرد که حد نداشت. امام صادق (ع) با سر بدون عمامه، با بدن بدون عبا و قبا، با پای برهنه ایستاده بود و این نانجیب هر چه از دهانش بیرون می آمد به آقا گفت. آقا هم سرشان را پایین انداخته بودند. یک وقت منصور دست به قبضه شمشیرش برد و به اندازه یک وجب شمشیر را بیرون کشید. ربیع می گوید: ای داد! الان آقا را می کشد. یک وقت دیدم منصور شمشیرش را غلاف کرد. مقداری فکر کرد باز به اندازه دو وجب شمشیر را بیرون کشید. گفتم الان آقا را می کشد. باز دیدم شمشیر را غلاف کرد. یک وقت دیدم تمام شمشیر را بیرون کشید. به خودم گفتم: به خدا قسم اگر شمشیر را به من بدهد و بگوید: امام صادق را بکش اول خودش را می کشم. هر طور می خواهد بشود. یک وقت دیدم تمام شمشیر را غلاف کرد و از تختش پایین آمد. امام صادق (ع) را بغل کرد و بو سید. آقا را برد جای خودش نشاند و عذر خواهی کرد. گفت: آقا معذرت می خواهم سوءتفاهمی شده

بود آقا! خواهش می کنم برگردید. منصور گفت: ربیع! اسب مخصوص خودم را بیاور. آقا را رساندم به خانه و برگشتم. آدمم به منصور گفتم: بیرون کشیدن آقا با این وضع و شمشیر کشیدن و با عزت آقا را به خانه رساندن به هم جور در نمی آید. منصور گفت: ربیع! به خدا قسم می خواستم امشب جعفر را بکشم. تا دست به قبضه شمشیر بردم، یک وقت دیدم پیغمبر (ص) استین هایش را بالا زده و جلو آمد. یک شمشیر هم در دستش بود آن را بلند کرد و فرمود: آی منصور! به خدا خودت و قصرت را از بین می برم اگر یک مو از سر پسر جعفر کم شود. من ترسیدم و شمشیرم را غلاف کردم. با خودم گفتم: شاید خیالاتی شده ام. بار دیگر به اندازه دو وجب شمشیرم را از غلاف بیرون کشیدم. دیدم پیغمبر (ص) نزدیکتر آمد و فرمود: منصور! وهم و خیال است؟ تو را از بین ببرم؟ ترسیدم و شمشیر را غلاف کردم. باز دفعه سوم به خودم تلقین کردم شاید وهم و خیال است. این دفعه همه شمشیر را بیرون کشیدم. دیدم پیغمبر (ص) پایش را گذاشت روی پله اول منبر و فرمود: می خواهی تو را از بین ببرم؟ باورم شد. شمشیر را غلاف کردم و به احترام آقا را برگرداندم.

می دانم الان دلهایتان دارد بهانه می گیرد. بگویم؟ می گویم: یا رسول الله! ای کاش یک سری هم به کربلا می آمدی. یا رسول الله ای کاش یک سری هم به گودال قتلگاه می زدی. رسول خدا! اگر شما نیامدید زینب (س) آمد. زینب (س) با یک عده زن و بچه آمد. یک عده زنهای داغ دیده آمدند. ای خدا! بالای بلندی رسید. دید لشکر دور حسین (ع) را محاصره کرده است. شمشیر دار با شمشیر می زند، نیزه دار با نیزه می زند. عصا دار با عصا می زند. آنهایی هم که حربه ای نداشتند آنقدر سنگ به بدن مقدس ابی عبدالله زدند.